

Original Article

Individualization in the Juvenile Criminal Process in the Light of Non-Binding UN Documents

Farzad Alizadeh¹, Asghar Abbasi^{2*}, Mehdi Esmaili³

1. Ph.D. Student of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran.

2. Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran. (Corresponding Author) Email: Drabbasi191@gmail.com

3. Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

Received: 27 Jun 2021 Accepted: 23 October 2021

Abstract

Background and Aim: The principle of individualization of punishments is considered as one of the basic principles of criminal law systems that are very closely related to fundamental human rights. The purpose of this study is to investigate the principle of individualization in relation to the criminal process related to children and adolescents.

Materials and Methods: This research is theoretical type; the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library, which was done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: The findings of the present study show that non-binding UN documents, due to their high flexibility and inspiration from international human rights norms and principles, are highly consistent with the structures and norms of domestic systems in terms of content.

Conclusion: Non-binding UN documents relating to children and adolescents in prison generally seek to prevent violations of the law by them. They also improve the treatment of children and adolescents accused or suspected of violating the law. Finally, by supporting children and adolescents deprived of their liberty, strengthening of the aggression and delinquency of them has been prevented, so that children can be reformed and return to their community and family.

Keywords: The Principle of Individualization; Criminal Process; Juvenile; Soft Law

Please cite this article as: Alizadeh F, Abbasi A, Esmaili M. Individualization in the Juvenile Criminal Process in the Light of Non-Binding UN Documents. *Bioethics Journal*, Special Issue on Ethical & Legal Reflections 2021; 99-115.

فردی کردن فرآیند کیفری اطفال و نوجوانان در پرتو اسناد غیر الزام آور ملل متحد

فرزاد علی‌زاده^۱، اصغر عباسی^{۲*}، مهدی اسماعیلی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد آیت‌الله امینی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

۲. استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Drabbasi191@gmail.com

۳. استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

دریافت: ۱۴۰۰/۴/۶ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱

چکیده

زمینه و هدف: اصل فردی کردن مجازات‌ها به عنوان یکی از اصول مبنایی نظام‌های حقوق کیفری محسوب می‌شود که ارتباط بسیار نزدیکی با حقوق بنیادین بشری دارد. هدف از پژوهش حاضر بررسی اصل فردی کردن در ارتباط با فرآیند کیفری مربوط به اطفال و نوجوانان است.

مواد و روش‌ها: تحقیق حاضر از حیث نوع، نظری است؛ روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است که با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اسناد غیر الزام آور ملل متحد، به دلیل انعطاف‌پذیری بالا و الهام‌گرفتن از هنجارها و اصول حقوق بشر بین‌المللی، از نظر محتوایی، هماهنگی زیادی با ساختارها و هنجارهای نظام‌های داخلی دارند.

نتیجه‌گیری: اسناد غیر الزام آور سازمان ملل متحد در ارتباط با اطفال و نوجوانان زندانی در یک دید کلی تلاش می‌کنند تا از نقض قانون توسط اطفال و نوجوانان در آتیه پیشگیری به عمل آورند. همچنین نحوه برخورد با اطفال و نوجوانان متهم یا مظنون به نقض قانون را بهبود بخشیده و ارتقا دهند و در نهایت با حمایت از اطفال و نوجوانان محروم از آزادی، مانع از تقویت روحیه پرخاشگری و بزه‌کاری در آنان شده، تا به واسطه آن کودکان اصلاح و به آغوش جامعه و خانواده خویش بازگردند.

واژگان کلیدی: اصل فردی کردن؛ فرآیند کیفری؛ اطفال؛ حقوق نرم

۱. مقدمه

یکی از اصول مترقی و پیشرفته حقوق کیفری، اصل تفرید تصمیم کیفری است که موازی با اصولی همچون اصل برائت، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، اصل تناسب بین جرم و مجازات، اصل تساوی مجازات‌ها، اصل شخصی بودن مجازات‌ها و... متجلی‌کننده و الهام‌بخش مفاهیمی همچون عدالت و انصاف می‌باشد. اصل تفرید تصمیم (یا به تعبیری اصل فردی کردن) به معنای متناسب نمودن هرگونه واکنش و ضمانت اجرای کیفری اعم از مرحله تحقیق و تعقیب یا صدور حکم و اجرای مجازات با شخصیت و ویژگی‌های جسمانی، روانی و اجتماعی فرد توسط قانونگذار، مقامات تعقیب‌کننده جرم، قاضی صادرکننده رأی، مقامات اجرای حکم می‌باشد که ممکن است موجب عدم تعقیب کیفری فرد، عدم اجرای مجازات، تخفیف، تعلیق، تشدید و... ضمانت اجرای کیفری گردد. در واقع در قرائت‌های جدید از اصل فردی کردن، دایره شمول آن را از صرف مرحله صدور حکم و مجازات فراتر برده و به تمامی مراحل کیفری و پاسخ‌ها و ضمانت اجرای آنها اتخاذ شده در برابر بزه‌کار تسری داده‌اند.

در حقیقت، اجرای عدالت همیشه مساوی با اجرای خشک قوانین و تساوی واکنش کیفری در مقابل مرتکبین جرائم مشابه نمی‌باشد، بلکه لازمه تحقق عدالت و انصاف گاه فردی نمودن تشریفات و نهادهای حاکم بر جریان تحقیقات و تعقیب و یا رسیدگی و به طور کلی فرایند کیفری است و در مواقعی نیز نیل به اهداف مذکور مستلزم تسری دایره شمول اصل مزبور به تصمیم کیفری و واکنش در مقابل متهم و بزه‌کار است. به بیان دیگر، نباید همیشه قضات کیفری را به مثابه ماشین حک کننده مواد قانونی بر پیشانی متهمین تلقی نمود و نقش این مقام را در پروسه کیفری ناچیز و محدود نمود. به جرأت می‌توان ادعا نمود، اجرای صحیح اصل فردی-کردن یکی از اصلی‌ترین راهکارها برای مقابله با چالش‌ها و مشکلات حقوق کیفری از جمله تورم جمعیت کیفری، بزه‌کاری مزمن و تکرار جرم، بزه‌کاری پیش‌رس، کاستی و ناتوانی و قصور نهادهای مجری عدالت کیفری در امر بازپروری بزه‌کار و همچنین پیشگیری از جرم و... می‌باشد و لذا اهتمام

به این امر موجب نیل به اهداف و آرمان‌هایی همچون اجرای عدالت، تسریع در بازپروری مرتکبین بزه و جلوگیری از مزمن شدن بزه‌کاری در فرد، ممانعت از انباشت پرونده‌های کیفری در محاکم، عدم الصاق برچسب مجرمانه بر مرتکب و... می‌گردد.

امروزه مسأله ناهنجاری و بزه‌کاری اطفال و نوجوانان به صورت یکی از حادثترین مسائل اجتماعی جوامع مختلف درآمد است. رسوخ ناهنجاری‌های رفتاری در میان کودکان، نوجوانان و جوانان که سازندگان اجتماع فردا هستند و ریشه‌دار شدن آن موجب بیم و نگرانی بیشتری شده است، چه آنکه برخوردی ناصحیح با این قشر از مرتکبین آثار مخرب فردی و اجتماعی وصف‌ناپذیری به جای خواهد گذاشت. آثاری که ترمیم و اصلاح آن گاه نا ممکن و بعید خواهد بود. ضرورت وصول به هدف‌های متعالی تعلیم و تربیت از جمله نوسازی شخصیت و منش این افراد، جلوگیری از شکل‌گیری ناهنجاری و انحراف در آنان، جلوگیری از درگیر شدن این افراد در دنیای بزه‌کاری و بزه‌کاری زودرس، عدم الصاق برچسب منحرف به آنان، پیشگیری از مزمن شدن ارتکاب جرم و تکرار جرم آنان و... ایجاب می‌کند که نظام قضایی کشورها با اتخاذ سیاست جنایی صحیح و کارآمد و در راستای تأمین اهداف مزبور، با اتکا بر اصول علمی حقوق کیفری کودکان و روان‌شناسی رشد اقدام به تدوین مقررات حاکم بر اطفال و نوجوانان نموده و دقت نظر بیشتری در برابر آنان اتخاذ نماید. از این روی سیاستگذاران جنایی «فردی‌سازی پاسخ‌های عدالت کیفری» را به عنوان یک اصل کلی حقوق کیفری شناسایی کرده‌اند.

در بعد جهانی نیز مقررات سازمان ملل دربردارنده اصول راهنماگونه‌ای است (که در برخی موارد مانند کنوانسیون حقوق کودک الزام‌آور نیز هستند) که مجموع آن‌ها سیاست جنایی سازمان ملل متحد را در قبال اطفال و نوجوانان بزه‌کار تشکیل می‌دهد. سازمان ملل متحد برای بهبود اجرای عدالت در مورد اطفال، پیشگیری از جرائم آن‌ها و حمایت اطفال محروم از آزادی، تلاش‌های زیادی را به عمل آورده است. در این راستا، سازمان ملل متحد تلاش کرده است چهار سند مهم

متحد مورد اشاره قرار گرفته است؛ به همین دلیل در ابتدای پژوهش حاضر اشاره‌ای کوتاه به این کنوانسیون در چارچوب اصل فردی‌کردن مجازات‌ها خواهیم نمود.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت گردیده است.

۳. مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر از حیث نوع، نظری است؛ روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است که با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اسناد غیر الزام‌آور ملل متحد، به دلیل انعطاف‌پذیری بالا و الهام‌گرفتن از هنجارها و اصول حقوق بشر بین‌المللی، از نظر محتوایی، هماهنگی زیادی با ساختارها و هنجارهای نظام‌های داخلی دارند. اسناد مزبور در واقع مجموعه‌ای از هنجارهای مرتبط با یکدیگر می‌باشند که مجموعه آن‌ها می‌تواند به عنوان یک الگوی مناسب برای قانونگذاری داخلی محسوب شود. اغلب دولت‌های عضو ملل متحد، اسناد حقوق بشر بین‌المللی مانند میثاق حقوق مدنی و سیاسی، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حقوق کودک را مورد پذیرش قرار داده‌اند و محتویات آن را وارد نظام‌های حقوق داخلی نموده‌اند. از طرفی، اسناد غیر الزام‌آور ملل متحد در واقع بسط دهنده و به نوعی تفسیر هنجارهای الزام‌آور عام می‌باشند. به تعبیری، اصول و قواعد عام (بدون محدودیت موضوعی) در اسناد جهانی مورد شناسایی قرار گرفته است، اما اسناد غیر الزام‌آور، اصول و قواعد مزبور را در موضوعات خاص (در اینجا وضعیت اطفال و نوجوانان) مورد تفسیر و بعضاً توسعه قرار می‌دهند. در این رابطه، غیر الزام‌آور بودن اسناد ملل متحد در

را مورد پذیرش قرار دهد. این چهار سند عبارتند از: ۱- حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل برای اجرای عدالت کیفری کودکان معروف به «قواعد پکن»؛ ۲- رهنمودهای سازمان ملل برای پیشگیری از جرائم اطفال معروف به «اصول ریاض»؛ ۳- قواعد حداقل سازمان ملل برای حمایت از اطفال محروم از آزادی؛ ۴- کنوانسیون حقوق کودک.

از طرفی باید به این مسأله پرداخت که اسناد غیر الزام‌آور بین‌المللی یا به تعبیری حقوق نرم بین‌المللی نقش بسیار مهمی در ایجاد همگرایی در رویه بین‌المللی و ارائه اصول راهنما برای هماهنگی میان نظام‌های حقوق داخلی ایفا می‌کنند. پرسش مهمی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که رویه سازمان ملل متحد (به عنوان بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی با صلاحیت عام) در ارتباط با اصل فردی‌کردن مجازات‌ها در ارتباط با اطفال و نوجوانان چگونه است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت، این است که سازمان ملل متحد با در نظر گرفتن حداقل قواعد حقوق بشر و بشردوستانه اقدام به طراحی اصول راهنمایی کلی و منعطف نموده است که در نظام‌های حقوق داخلی اغلب دولت‌ها قابل پذیرش و اعمال می‌باشند.

از نظر سوابق پژوهش حاضر باید دقت داشت که «اصل فردی‌کردن مجازات‌ها» در برخی پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است، برای مثال در همین راستا می‌توانیم به مقاله سروش مالکی‌زاده تحت عنوان «جلوه‌های اصل فردی‌کردن مجازات‌ها در نظام عدالت کیفری ایران» اشاره کنیم (۱)، اما اصل مزبور در ارتباط با اطفال و نوجوانان و همچنین با محوریت اسناد غیر الزام‌آور ملل متحد در هیچ پژوهشی مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است.

باید به این نکته عنایت داشت که محور اصلی مباحث پژوهش حاضر، اسناد غیر الزام‌آور ملل متحد می‌باشد، در نتیجه بررسی تفصیلی اسناد الزام‌آور مانند کنوانسیون‌های بین‌المللی در دایره موضوعات این تحقیق قرار ندارد. همچنین باید اضافه کرد که کنوانسیون حقوق کودک به عنوان یک سند الزام‌آور بین‌المللی به طور خاص به مباحث حقوق کودک می‌پردازد و در مقدمه اغلب اسناد غیر الزام‌آور سازمان ملل

زمینه وضعیت اطفال زندانی باعث شده است که اسناد مزبور با استقبال دولت‌ها مواجه شوند.

۵. بحث

۵-۱. مفهوم اصل تفرید تصمیم: در میان اصول حاکم بر مجازات‌ها یکی از مهم‌ترین آن‌ها اصل فردی کردن مجازات‌هاست که در صورت اجرای صحیح و رعایت شرایط و مقتضیات آن مکملی برای اصول دیگر و نهایتاً موجب استقرار عدالت خواهد گردید. از سویی دیگر اجرای نادرست آن موجب تخدیش و حتی از بین رفتن اصول دیگری همچون اصل قانونی بودن مجازات‌ها و اصل تساوی مجازات‌ها خواهد شد. این اصل در بین حقوقدانان کلاسیک به تعبیر اصل فردی کردن مجازات‌ها شایع و متداول بوده است؛ باید عنایت داشت که بین اصل فردی کردن و اصل شخصی بودن مجازات‌ها تفاوت است، چون در اصل فردی کردن به تناسب میان مجازات «از نظر نوع، میزان، نحوه اجرا و اعمال» با شخصیت مجرم اعم از «شخص حقیقی و حقوقی» سخن به میان می‌آید، در حالی که در اصل شخصی بودن بر تحمل بار کیفری بر خود مرتکب جرم تأکید دارد.

برخی از حقوقدانان در مقام تعریف این اصل بیان داشته‌اند: «انطباق مجازات با وضع و حال یکایک بزه‌کاران است. در صدور حکم اقدام تأمینی و تربیتی اهمیت این اصل به مراتب آشکارتر است» (۲). در تعریفی دیگر، فردی کردن کیفر به معنای تطبیق مجازات بر عمل ارتكابی با توجه به وضعیت جسمی، روانی، خانوادگی، و اجتماعی مجرم است تا شاید مجرم بتواند پس از اجرای مجازات برای زندگی سالم اجتماعی مهیا گردد (۳). در تعریفی دیگر، اصل فردی کردن این‌گونه تعریف شده است: «اصلی است که به موجب آن باید مجازات مناسب با وضع مجرم باشد و به این ترتیب در مورد یک جرم که چند نفر مجرم هر یک جداگانه آن را مرتکب شده‌اند، ترتیب به کار بردن مجازات فرق می‌کند، زیرا هدف از دادن مجازات انتقام نیست، بلکه علاج مجرم است. پس باید متناسب با وضع مجرم باشد» (۴). به عبارتی دیگر «قاضی محکمه، هنگام دادرسی و صدور حکم با در نظر گرفتن ابعاد

شخصیتی مجرم، ضمانت اجرای کیفری را چه به لحاظ نوع و چه از نظر میزان به گونه‌ای تعیین نماید که منتهی به اصلاح او گردد» (۵). در این میان اساتیدی هم هستند که اصل فردی کردن مجازات را هماهنگ کردن مجازات‌ها با شخصیت مجرم معنی کرده‌اند و با ذکر این مثال که اگر کسی با قصد قبلی برای بردن مال دیگری او را بکشد، با پدری که برای رهایی فرزند خود از رنج بیماری علاج‌ناپذیری با التماس او به وسیله دارویی به زندگی او پایان بخشد یا نیمه دیوانه‌ای از فرط خشم دیگری را به قتل برساند، با آنکه همگی مرتکب قتل عمدی شده‌اند، معقول نیست که یکسان به مجازات اعدام محکوم گردند (۶).

در برخی از تعاریف نیز به شیوه‌های فردی کردن اشاره شده است: تعیین نوع، میزان و نحوه تحمیل واکنش کیفری بر بزه‌کار، بر اساس مصلحت وی و جامعه (۷)؛ فردی کردن در این تعریف اعم است از اعمال تخفیف و تشدید در واکنش کیفری، زیرا امروزه به اثبات رسیده است که هیچ یک از نسخه‌های تخفیف و ملایمت و یا تشدید و سخت‌گیری، به تنهایی برای کنترل و اصلاح بزه‌کاران قابل تجویز نیست (۸).

با دقت در تعاریف فوق این نکات قابل استنتاج است که اولاً قلمرو اصل فردی کردن در بین انواع واکنش‌ها و تصمیم‌های اتخاذی در برابر مرتکب، محدود به مجازات‌ها شده است، ولی باید اذعان داشت در قرائت‌های جدید از حقوق کیفری که منبعت از سیاست جنایی صحیح و با الهام از جرم‌شناسی بالینی و مطالعات روان‌شناختی است، سعی در توسعه قلمرو اصل فردی کردن شده است، به گونه‌ای که دایره شمول این اصل را به تمامی مراحل فرایند کیفری اعم از تعقیب و تحقیق، رسیدگی، صدور حکم و اجرای مجازات نیز تسری داده‌اند؛ ثانیاً در تعاریف فوق اعمال اصل تفرید تصمیم محدود به اشخاص حقیقی شده است، در حالی که در بحث‌های آکادمیک جدید و همچنین اختصاص فصلی خاص برای مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی جدید و به تعبیری پذیرش رسمی مسؤلیت کیفری این اشخاص، می‌توان دایره شمول اصل تفرید تصمیم را به اشخاص حقوقی نیز تسری داد و از اصطلاح اصل شخصی کردن

می‌توان اهمیت نوع و نحوه واکنش در برابر این دسته از مجرمین دانست، به گونه‌ای که بر اساس مطالعات جرم‌شناختی و روان‌شناختی برخورد و واکنش نامتناسب در برابر این افراد ضررها و اثرات سوء انکارناپذیر و جبران‌ناپذیر متعددی را برجای خواهد گذاشت. متأثر از همین ایدئولوژی، قوانین کیفری جدید نیز نگاه ویژه‌ای به جرائم اطفال و نوجوانان و نحوه واکنش در برابر آن داشته است. مهم‌ترین این تغییر نگرش در پیش‌بینی اقدامات گسترده تأمینی و تربیتی بوده است.

۵-۲. اصل تفرید در چارچوب کنوانسیون حقوق

کودک: کنوانسیون حقوق کودک، حقوق خاص و ویژه‌ای برای سیاست کیفری در خصوص کودکان و نوجوانان بزه‌کار تبیین می‌نماید.

با در نظر گرفتن مفاد ماده ۳ این کنوانسیون در هرگونه اقدام ناظر بر کودک، والاترین منافع کودک ملاحظه‌ای اصلی و اساسی است. به عبارت دیگر در هر اقدامی که در خصوص کودک انجام می‌شود، از جمله قراردادان وی در فرآیند عدالت کیفری و تعیین مجازات برای او، اولویت با منافع کودک است و باید همه این جوانب قبل از صدور حکم یا اجرای مجازات سنجیده شود. هیچ دخالت غیر قانونی یا بر اساس تصمیمات شخصی افراد در رابطه با حریم خصوصی، خانواده یا مکاتبات کودک مطابق ماده ۱۶ نباید انجام شود. با توجه به نیازها و ویژگی‌های روحی، فیزیکی، اجتماعی و... کودک لازم است تا این حق برای وی شناخته شود که در صورت عدم وجود قانون، آزادی وی به طور کلی حفظ گردد و به هیچ وجه نمی‌توان مداخله‌ای خارج از متن قانون در امور مرتبط با کودک انجام داد، فلذا هرگونه عملی در فرآیند کیفری و اعمال عدالت کیفری روی این دسته از افراد باید مطابق با قانون باشد. به نظر می‌رسد این مقرر با وضع قاعده‌ای در خصوص عدم امکان مداخله در امور کودک از جمله خانواده حریم شخصی یا مکاتبات کودک، از هرگونه اعمال سلیقه و یا حتی تفسیر موسع قوانین جلوگیری می‌کند. اهمیت زیاد رفتار با کودکان زیر ۱۸ سال سبب می‌شود تا هر امری فرع بر منافع و زندگی شخصی وی به شمار آید (۱۱).

تصمیم کیفری یا به تعبیری اصل تفرید تصمیم کیفری استفاده نمود. برای ارائه تعریفی جامع از اصل تفرید تصمیم باید گفت: اصل تفرید تصمیم کیفری به معنای تعیین، اعمال و اجرای مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی و هرگونه واکنشی، متناسب با شخصیت و ویژگی‌های جسمانی، روانی و اجتماعی فرد (شخص) توسط قانونگذار، مقامات تعقیب‌کننده جرم، قاضی صادرکننده رأی، مقامات اجرای حکم می‌باشد که ممکن است موجب تعدیل یا تشدید واکنش جامعه گردد (۹). فردی کردن در این معنا محدود به اشخاص حقیقی نبوده و اشخاص حقوقی را نیز دربر می‌گیرد. همچنین در شیوه‌های تفرید تصمیم هم به شیوه‌های تعدیلی و هم شیوه‌های تشدیددی توجه شده است و از همه مهم‌تر آنکه فردی کردن را محدود به مجازات ننموده است، بلکه از ابتدا شروع فرایند کیفری تا انتهای آن، فردی نمودن قابل اعمال خواهد بود.

پس در راستای اعمال این اصل به عواملی همچون سن مرتکب، شخصیت مرتکب، خصوصیات مرتکب، انگیزه و داعی مرتکب، پرونده شخصیت فرد، اوضاع و احوالی که جرم در آن اتفاق افتاده (مثل رفتار و گفتار تحریک‌آمیز مجنی‌علیه)، شدت ارتکاب جرم، جنسیت مرتکب، خصوصیات مجنی‌علیه و... توجه می‌شود تا از این طریق به یکی از اهداف مهم در جرم‌شناسی یعنی اصلاح و بازپروری مجرم نائل آمد، آنچه‌آنکه Maurice Cusson سیاست اصلاح و بازپروری را دارای اصولی می‌داند که یکی از مهم‌ترین این اصل‌ها «ضرورت فردی کردن مجازات‌ها» است، بدین معنا که شخصیت افراد به تناسب تفاوت روان، جسم، محیط پیرامونی هر فرد متفاوت است. پس در مقام تعیین مجازات برای هر فرد باید به تناسب «شخصیت» و عناصر تشکیل‌دهنده آن، مجازات مناسب تعیین شود تا از این طریق پاسخی مناسب و متناسب با کمبودها و نواقصی که در فرآیند جامعه‌پذیرشدن بزه‌کار مشاهده می‌شود، بر مجرم اعمال گردد (۱۰).

این نکات و ضرورت‌ها در جایی که مرتکب جرم طفل و یا نوجوان باشد، بیشتر نمایان است. بدین توضیح که مهم‌ترین و اصلی‌ترین قلمرو اعمال اصل فردی کردن را می‌توان در خصوص جرائم اطفال و نوجوانان دانست. علت این امر را نیز

ماده ۴۰ کنوانسیون، ماده‌ای است که به بحث از حقوق کودکی که متهم است یا به عنوان کسی که از قانون تخطی کرده است شناخته می‌شود. این کودک مستحق رفتاری است که احساس کرامت و ارزشمندی را در او ارتقا بخشد، به نحوی که احترام کودک به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دیگران تقویت شود. هر رفتاری در ارتباط با کودک باید با توجه به سن کودک و مطلوبیت بازپروری و نقش کودک در جامعه صورت گیرد. همچنین کشورهای عضو باید یک حداقل سنی را در نظر گیرند که کودکان کمتر از آن سن قابلیت نقض قانون جزایی را نداشته باشد.

مقرر مهم دیگری که در ماده ۴۰ کنوانسیون مقرر گردیده است، اشاره به این مسأله است که کشورهای عضو باید هر جایی که لازم و مطلوب است، سازوکارهایی برای سروکار داشتن با کودکان بدون نیاز به توسل به فرآیند رسیدگی قضایی را معین سازند، به نحوی که حقوق بشر و حمایت قضایی کاملاً مورد احترام قرار گیرند. مجموعه‌ای از سازوکارها از جمله مراقبت، راهنمایی، و دستورات نظارتی، مشاوره، عفو مشروط، سرپرستی تحصیلات و برنامه‌های آموزش فنی و دیگر موارد جایگزین برای مراقبت‌های سازمانی باید در دسترس باشد تا اطمینان حاصل شود که کودکان در معرض رفتاری خواهند بود که همساز با رفاه حال آن‌ها و متناسب با شرایط و جرم آن‌ها می‌باشد (۱۲).

این ماده از کنوانسیون اساسی‌ترین ماده‌ای است که در حوزه فرآیند کیفری به حقوق کودک می‌پردازد و بخش اخیر ماده که بالا ذکر شد، اصل فردی‌سازی فرآیند را مورد توجه دارد. بر این اساس کشورهای عضو کنوانسیون بایستی هرگونه اقدامی را که مطلوب و لازم است در ارتباط با رفاه حال کودک و با توجه به شرایط وی و جرم ارتكابی در نظر گیرند. پیش‌بینی تمهیدات متنوع در ارتباط با کودک متهم یا مجرم، قضات را قادر می‌سازد تا اقدام مناسب را برای کودک انتخاب کنند و این مسأله که اولویت رفاه حال کودک و بازپروری وی باید در فرآیند کیفری در نظر گرفته شود، در جای‌جای این ماده تأکید شده است و هر امری را فرع بر کرامت و رفاه کودک قرار می‌دهد، فلذا هر قاضی در تعیین راه و روش در

همچنین، علاوه بر حق بازبینی قضایی، ماده ۲۵ کنوانسیون ملزم می‌سازد که قرارگیری کودک در بازداشت اداری نیز باید مورد بازبینی دوره‌ای توسط مقامات شایسته قرار گیرد. هدف بازبینی این است که پیشرفت کودک بررسی شود و باید رفتار و هرگونه شرایط مرتبط با قرارگیری وی در بازداشت را پوشش دهد. این مقررہ بیان نمی‌کند که بازبینی باید به چه شکل انجام گیرد و آن را به کشورهای عضو واگذاری می‌کند، اما نشان می‌دهد که هر چقدر قرارگیری غیر داوطلبانه‌تر و رفتار شدیدتر باشد، به همین مقدار بازبینی‌های بیشتر و سریع‌تری لازم است.

ماده ۳۷ نیز بیان می‌دارد که هیچ کودکی نباید تحت شمول شکنجه یا هرگونه اقدام یا مجازات ظالمانه و غیر انسانی قرار بگیرد و هیچ کودکی، نباید به نحو غیر قانونی یا سلیقه‌ای از آزادی‌اش محروم شود. دستگیری، بازداشت یا حبس یک کودک باید مطابق قانون باشد و تنها به عنوان آخرین اقدام و برای کوتاه‌ترین زمان مناسب در نظر گرفته خواهد شد. سنین آغازین زندگی هر فرد بسیار تعیین‌کننده و تأثیرگذار در مراحل بعدی زندگی او می‌باشد. قرارگرفتن در فرآیند کیفری تجربه خاص و سختی است که اگر با دقت و ملاحظه انجام نگیرد، صدمات جبران‌ناپذیری بر جای خواهد گذاشت. اهمیت و تأثیر این فرآیند در خصوص اطفال دوچندان خواهد بود. به همین علت است که دستگیرشدن و محروم کردن اطفال از آزادی باید آخرین راه برای مجازات آنان باشد و به نفع کودک نیست که در سنین طلایی زندگی‌اش که باید به خوبی پرورش پیدا کند و شخصیت وی شکل می‌گیرد، بیشتر از حد لازم از آزادی‌اش محروم بماند.

در ادامه ماده فوق‌الذکر به این مسأله اشاره می‌دارد که باید با هر کودکی که محروم از آزادی است با انسانیت و احترام برخورد شود و به شیوه‌ای که نیازهای فرد در آن سن را تحت ملاحظه قرار خواهد داد. این مسأله ماهیتاً تجلی اصل فردی‌کردن است. نحوه رفتار با هر فرد که در سیستم کیفری وارد می‌شود باید با نیازها و خصوصیات و لازمه‌های فرد در این سنین کودکی همگام باشد (۱۲).

درگیرشدن با نظام کیفری پیدا نکند و لازمه تعامل مؤثر با نوجوان نیز در گرو درک شرایط و ویژگی‌های فردی کودک و انتخاب راه حل‌های متناسب با اوضاع و احوال است.

۵-۳-۱-۲. قلمرو قواعد و تعاریف: قاعده ۲ از قواعد استاندارد به این مسأله می‌پردازد که تدوین و ایجاد قوانین و مقررات برای کودکان باید به نحوی نگارش شود که اختصاصاً برای کودکان و نوجوانان قابل اجرا باشد. این قوانین به نحوی طراحی خواهند شد که به نیازهای مختلف کودکان بزه‌کار و جامعه توجه کند و کامل و منصفانه باشد.

۵-۳-۱-۳. سن مسؤولیت کیفری: در هر نظام حقوقی، حداقل سنی برای مسؤولیت کیفری شناخته می‌شود که قبل از آن کودک هیچ مسؤولیت کیفری ندارد و قابلیت نقض قانون جزایی را ندارد. قاعده ۴ به این امر توجه می‌کند که اگر سیستم قضایی سن مسؤولیت کیفری را شناخته است، باید ابتدای سن مسؤولیت کیفری با توجه به واقعیت بلوغ احساسی، هوشی و عقلانی مشخص شود. اهمیت این مسأله از این رو می‌باشد که حداقل سن مسؤولیت کیفری با لحاظ تاریخ و فرهنگ اختلاف فاحشی دارد و رویکرد مقررات حداقلی با توجه به تفسیر ارائه‌شده در خود سند به این سمت و سو می‌باشد که طفل باید بتواند ارکان اخلاقی و روانی مسؤولیت کیفری را درک کند. به دلیل ارتباط کلی و نزدیک بین مفهوم مسؤولیت در زمینه رفتار کیفری و سایر حقوق و تکالیف اجتماعی (همانند سن ازدواج، رشد و...) باید در هر نظام حقوقی یک حداقل در نظر گرفته شود و علاوه بر آن واقعیت بلوغ احساسی، هوشی و عقلانی نیز در هر طفل که مد نظر است، سنجیده شود. در این خصوص با وجود الزام به تعیین حداقل سن علاوه بر آن باید معیارهای شخصی نیز در اطلاق مسؤولیت کیفری بر طفل در نظر گرفته شود.

۵-۳-۱-۴. اهداف عدالت در زمینه اطفال: قاعده ۵ در تبیین اهداف عدالت در زمینه اطفال به صراحت بیان می‌کند که سیستم عدالت در خصوص این دسته از افراد باید بر رفاه اطفال تکیه داشته باشد و تضمین کند که هر نوع واکنشی در برابر کودک بزه‌کار باید همواره متناسب با شرایط جرم و مجرم باشد. در این مقرر می‌توان دید که پایه و اساس اصل

ارتباط با کودک متهم یا مجرم باید به شرایط و اوضاع و احوال ویژه آن کودک توجه کند و راه متناسب را از بین آن‌ها برگزیند، زیرا با وجود آنکه حداقل‌ها و استانداردهایی در خصوص کرامت، ارزشمندی و رفاه هر کودک وجود دارد، اما ویژگی‌های شخصی، خانوادگی، فرهنگی و اقتصادی هر فرد این الزام را ایجاد می‌کند که روش خاصی برگزیده شود و این ماده این مسأله را تضمین می‌کند. در نهایت کنوانسیون حقوق کودک به دلیل داشتن دید کلی و اعلام استانداردهای حداقلی در حقوق کودک، سندی است که پایه و اساس در حقوق کودک را در زمینه‌های مختلف تبیین می‌سازد و بسیاری از جزئیات اعمال این حقوق را به دولت‌های عضو واگذار می‌کند. همچنین وجود سایر کنوانسیون‌ها و مقرره‌های دیگر سازمان ملل به دولت‌های مختلف کمک می‌کند تا مقررات خود را برای حمایت از کودکان در زمینه فرآیند کیفری تنظیم نمایند (۱۳).

۵-۳. اسناد غیر الزام‌آور ملل متحد و جلوه‌های اصل

فردی کردن

۵-۳-۱. قواعد استاندارد حداقلی در زمینه اجرای عدالت برای نوجوانان (قواعد پکن): این قواعد استاندارد حداقلی به نحوی تنظیم شده است که در نظام‌های حقوقی مختلف و در کلیه زمان‌ها قابل اجرا باشد که البته در همه موارد باید منصفانه و بدون تبعیض اجرا شود. این قواعد دارای بخش‌های مختلفی می‌باشد که در ادامه به تحلیل محتوای آن خواهیم پرداخت.

۵-۳-۱-۱. اصول عمومی: بر اساس قسمتی از ماده ۱ این سند، توجه لازم باید به تدابیر عینی که شامل بسیج کلیه منابع احتمالی از جمله خانواده، اشخاص داوطلب و سایر گروه‌های اجتماعی همچنین مدارس و سایر مؤسسات اجتماعی با هدف گسترش رفاه نوجوانان با رویکرد کاهش ضرورت توسل به مداخله قانونی و تعامل مؤثر منصفانه و انسانی با نوجوان در صورت نقض قوانین مبذول گردد. این مقرر از جلوه‌های اصل فردی کردن فرآیند کیفری می‌باشد، زیرا باید ضرورتاً با توجه به شرایط فرد حتی‌الامکان از کلیه منابع در دسترس استفاده کرد تا فرد نیازی به مداخله و

نحو موسع باید تفسیر شود. به ویژه در اولین تماس با نهادهای مجری قانون، وجهه نوجوان در برابر حکومت و جامعه تحت تأثیر قرار خواهد گرفت؛ به همین دلیل نهایت احتیاط ضروری است.

۵-۳-۱-۷. قضا‌دایی: مسأله دیگر این بحث مهم می‌باشد که در مواقع مناسب باید مسائل کودک بزه‌کار بدون ارجاع به محکمه رسمی از طریق مراجع ذی‌صلاح مانند پلیس، دادستان و... رسیدگی شود و با ضوابط و معیارهای مقرر در سیستم قانونی ذی‌ربط حل و فصل گردد. علاوه بر این ماده ۱۱، ارجاع به سایر نهادهای ذی‌ربط و به اصطلاح «قضا‌دایی» را وابسته به رضایت نوجوان یا سرپرست وی می‌داند. در عین حال این رضایت را مشروط به این می‌داند که تصمیم راجع به ارجاع پرونده قابل تجدید نظر باشد. همچنین ماده ۱۱ الزام می‌دارد تا برنامه‌های اجتماعی مانند نظارت یا راهنمایی موقت، ترمیم یا جبران خسارات وارده به بزه‌دیده نیز در قانون گنجانده شود.

قضا‌دایی، به معنی صرف نظر کردن از فرآیند عدالت کیفری و ارجاع امر به نهادهای حمایتی اجتماعی، مانع آثار منفی عوارض تشریفات اجرای عدالت من جمله برچسب‌زنی و مجازات، برای طفل می‌شود. این مورد در تعدادی از پرونده‌ها مطلوب‌ترین واکنش ممکن محسوب می‌شود، فلذا قضا‌دایی در ابتدا کار می‌تواند بهترین پاسخ باشد، به ویژه در مواردی که جرم ماهیت شدیدی ندارد و خانواده یا مدرسه یا سایر نهادهای اجتماعی واکنش نشان داده‌اند یا به زودی واکنش نشان خواهند داد. رضایت نوجوان نیز امر مهمی است که البته بدون چالش نخواهد بود، به همین دلیل ماده ۱۱ امکان ارزیابی عینی را برای مقام ذی‌صلاح فراهم می‌کند، البته این نکته نیز مورد تأیید است که ضرورتی ندارد که قلمرو رسیدگی نهادهای جایگزین محاکم به جرائم کم‌اهمیت محدود شود و اوضاع و احوال خاص پرونده در صورت اقتضا ممکن است منجر به قضا‌دایی گردد.

۵-۳-۱-۸. تخصص‌گرایی: قاعده ۱۲ بر این نکته تکیه دارد که برای اجرای مطلوب تکالیف قانونی، پلیسی که مسؤول رسیدگی به مسائل اطفال است یا دیگر مأمورین که برای

فردی کردن مد نظر قرار گرفته است. اطلاق این مقرر و بیان عبارت «هر اقدامی...» معین این ادعا است که در هر بخش از فرآیند نظام کیفری چه در مرحله قضاوت و حکم، چه در مرحله اجرا باید اقدامات با توجه به شرایط خاص هر فرد و در چارچوب رفاه طفل صورت پذیرد. اوضاع و احوال فردی مجرم برای مثال وضعیت اجتماعی، موقعیت خانوادگی، ضرر و زیان ناشی از جرم یا سایر عواملی که وضعیت شخص مرتکب را تحت تأثیر قرار می‌دهد، باید بر واکنش مقتضی نیز اثرگذار باشد. ذات این قاعده مبتنی بر انجام واکنش منصفانه در خصوص جرم کودک است.

۵-۳-۱-۵. حریم خصوصی: حمایت از حریم خصوصی نوجوان در قاعده ۸ مورد تأکید قرار می‌گیرد. هدف اصلی از این مقرر جلوگیری از ایراد صدمه از طریق علنی‌بودن ناموجه یا فرآیند برچسب‌زنی می‌باشد. پس اصل بر این است که فقط در صورتی که توجیه داشته باشد، مرحله‌ای از فرآیند کیفری علنی خواهد بود. همچنین هیچ‌گونه اطلاعاتی که منتهی به شناسایی هویت طفل بزه‌کار می‌شود، نباید منتشر شود. اشخاص بزرگسال بیشتر مستعد برچسب‌زنی و لکه‌دار شدن آبرو و شخصیتشان هستند و بر اساس تفسیر مندرج در این سند، تحقیقات جرم‌شناسی نشان‌دهنده آثار مخرب هویت‌دهی دائمی اشخاص نوجوان به عنوان منحرف یا مجرم است. ویژگی‌های اطفال و نوجوانان و وضعیت خاص این افراد سبب می‌شود که انتشار پرونده در رسانه‌های عمومی اثر معکوس داشته باشد، به همین دلیل است که انتشار هویت این بزه‌کاران به طور مطلق منع شده است.

۵-۳-۱-۶. اولین تماس: بر اساس قاعده ۱۰ در بحث تحقیقات و تعقیب، باید به فوریت والدین یا سرپرست از دستگیری مطلع شوند؛ باید تماس‌های بین نهادهای مجری قانون و طفل بزه‌کار به نحوی سازماندهی گردد که آسایش وی تأمین گردد و با لحاظ اوضاع و احوال خاص وی از ایراد آسیب جلوگیری شود. عبارت «جلوگیری از صدمه» عبارت منعطفی می‌باشد که شامل ساختارهای مختلف واکنش احتمالی می‌شود. ورود به فرآیند کیفری فی‌نفسه می‌تواند برای طفل آسیب‌زا باشد، برای همین جلوگیری از آسیب در این ماده به

پرونده شخصیت در خصوص جرائم اطفال و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ایران می‌باشد. مقام ذی‌صلاح باید قبل از صدور حکم و تعیین مجازات از واقعیت‌های مربوطه در خصوص طفل بزه‌کار مطلع گردد. سابقه اجتماعی و خانوادگی، رفتار در مدرسه، سوابق تحصیلی و مصادیقی از این دست در کم و کیف مجازات و اقداماتی که در پیش گرفته خواهد شد، مؤثر واقع می‌گردد.

۵-۳-۱-۱۲. اصول راهنمایی رسیدگی قضایی و تعیین ضمانت اجرا: اصولی که در ماده ۱۷ به آن اشاره می‌شود، از حیث موضوع بحث، یعنی اصل فردی کردن بسیار حائز اهمیت است. ضمانت اجرای درخور توسط مقام صالح با توجه به این اصول تعیین خواهد شد. واکنش متخذه نه‌تنها باید همسو با اوضاع و احوال جرم باشد، بلکه باید با اوضاع و احوال و الزامات طفل و جامعه نیز همگام باشد. هر محدودیتی که به آزادی وی وارد شود، باید پس از بررسی دقیق، تقلیل یافته و به کمترین مقدار باشد. در خصوص محرومیت از آزادی فردی، اصل بر آن است که این امر مورد حکم قرار نخواهد گرفت، مگر در مصادیقی از جمله اعمال خشونت علیه شخص دیگری یا اصرار ورزیدن بر ارتکاب جرائم شدید و مشروط بر آنکه هیچ پاسخ جایگزین مناسبی نباشد. رفاه نوجوان باید به مثابه اصلی راهنما مدنظر باشد. مجازات اعدام و مجازات بدنی برای طفل ممنوع است. مقام صالح نیز باید دارای این اختیار باشد تا تشریفات رسیدگی را در هر زمان که بخواهد، متوقف سازد.

کارکرد قواعد پکن این نیست که فقط رویکرد مورد اتباع را تبیین سازد، بلکه علاوه بر آن باید مواردی را تعیین کند که در هماهنگی با اصول پذیرفته‌شده بین‌المللی است. پس اصول بنیادین مقرر در قاعده ۱۷ اصول راهنمای عملی‌ای است که نقطه آغازین عمومی تحت ریاست مقام صالح می‌باشد و می‌تواند به طور قابل ملاحظه‌ای تضمین نماید که حقوق اساسی طفل بزه‌کار با توجه به شرایط فردی وی حمایت خواهد شد. همچنین قاعده مزبور این را نیز مد نظر قرار می‌دهد که در پرونده‌های اطفال باید با دقت به تضمین رفاه و آسایش اطفال توجه داشت و نگاه کیفری صرف، مناسب نخواهد بود.

پیشگیری از بزه‌کاری اطفال کار می‌کنند، باید آموزش‌های نظری و عملی را بگذرانند. این مسأله نیز حاکی از اهمیت برخوردها و تماس‌های اولی طفل با سیستم عدالت کیفری است و مأموران باید با آگاهی با آنان برخورد نمایند. این مسأله کلیه نیروهای انسانی را در قاعده ۲۲ تحت شمول خود قرار می‌دهد و مقرر می‌دارد آموزش حرفه‌ای، ضمن خدمت، دوره‌های بازآموزی و سایر انواع مناسب آموزش باید برای ایجاد و بقای صلاحیت حرفه‌ای مورد استفاده قرار گیرد.

۵-۳-۱-۹. بازداشت حین محاکمه: بازداشت حین محاکمه منحصرأ و ضرورتاً طبق قاعده ۱۳ باید به عنوان آخرین راهکار و در کوتاه‌ترین زمان ممکن استفاده شود. اگر ممکن باشد، باید از تدابیر جایگزین مثل مراقبت نزدیک، مراقب فشرده، سپردن به والدین یا مجموعه‌های دیگر استفاده شود. نکته دیگری که هم در قاعده ۱۳ قواعد پکن و هم سایر اسناد به کرات تأکید شده است، بحث نگهداری جداگانه اطفال از بزرگسالان می‌باشد. همچنین باید کلیه معاضدت‌های ضروری اجتماعی، آموزشی، حرفه‌ای، روانی، پزشکی و جسمی برای کودک بزه‌کار با توجه به سن، شخصیت و جنسیت نوجوان انجام شود. خطرات ناشی از اتهام کیفری در زمان بازداشت حین محاکمه ناچیز نیست و استفاده از اقدامات جایگزین اهمیت ویژه‌ای دارد.

۵-۳-۱-۱۰. رسیدگی قضایی و تعیین ضمانت اجرا: اگر قضا‌زدایی صورت نگرفت و به مرحله قضاوت رسید، قاعده ۱۴ مقامات مسؤول را ملزم می‌دارد تا با تمسک به اصول دادرسی منصفانه رسیدگی کنند و آیین دادرسی را با لحاظ بیشترین منافع نوجوانان اجرا کنند و باید این اجرا در فضایی اتفاق بیفتد که نوجوان بتواند به نحو آزاد مشارکت کرده و نظر خود را آزادانه بیان کند.

۵-۳-۱-۱۱. گزارشات تحقیقات اجتماعی: طبق قاعده ۱۶ در کلیه پرونده‌ها غیر از پرونده‌های مربوط به جرائم کم‌اهمیت قبل از اعلام نظر و تعیین مجازات توسط مقام مربوطه باید سوابق و شرایطی که طفل در آن زندگی کرده است و یا شرایطی که در آن جرم اتفاق افتاده است، به نحو مناسبی موضوع تحقیقات قرار گیرد. این مقرر مشابیه بحث تشکیل

وضعیت جرم از حیث هوشی و روانی، ناگوار و مخرب خواهد شد.

۵-۳-۱-۱۶. کیفیت ثبت سوابق: سوابق کودکان بزه‌کار منطبق با ماده ۲۱، باید محرمانه و دور از دسترس ثالث نگهداری شود. همچنین سوابق کودک بزه‌کار نباید در رسیدگی‌های بزرگسالان که مرتبط با همین بزه‌کار است، مورد بهره‌برداری قرار گیرد. این اقدامات در جهت یافتن به تعادل بین مصالح متعارض و مرتبط است و منافع طفل را به نحو گسترده‌ای و جبهه نظر قرار می‌دهد.

۵-۳-۱-۱۷. اجرای مؤثر تصمیم: در قاعده ۲۳ نیز به این پرداخته شده است که تصمیمات در پرونده‌های نوجوانان بیشتر از پرونده‌های بزرگسالان، بر زندگی مجرم برای دوره طولانی‌ای اثر خواهد گذاشت، فلذا بسیار مهم است که یک مقام صالح یا یک ارگان مستقل، تصمیمات را تحت نظر قرار دهد.

۵-۳-۱-۱۸. مقررات راجع به مساعدت: قاعده ۲۴ در تلاش است تا بر ضرورت مساعدت لازم در کلیه مراحل رسیدگی تأکید نماید. مواردی از قبیل تهیه محل سکونت، آموزش نظری و فنی - حرفه‌ای، استخدام یا هر نوع مساعدت سودمند و عملی دیگری در جهت تسهیل فرآیند بازپروری باید در نظر گرفته شود. همانطور که گفته شد، توسعه رفاه و آسایش اطفال از ملاحظات است که در تک‌تک اقدامات مرتبط با اطفال در همه مراحل رسیدگی در نظر گرفته می‌شود. داوطلبان، سازمان‌های داوطلب، نهادهای محلی و هر منبع اجتماعی مرتبط باید برای مشارکت مؤثر در فرآیند بازپروری طفل در جامعه و در درون خانواده بر اساس قاعده ۲۵ فراخوانده شوند. کمک‌های اجتماعی بسیار می‌تواند در بازپروری طفل به مقدار به‌سزایی مؤثر باشد.

۵-۳-۱-۱۹. نگهداری در مؤسسه: هدف از نگهداری اطفال در مؤسسات، ایجاد مراقبت، حمایت، آموزش نظری و مهارت‌های فنی با رویکرد کمک به آن‌ها در پذیرش نقش‌های فعال و مفید از نظر اجتماعی در جامعه است. قاعده ۲۶ مؤسسه را ملزم می‌نماید تا کلیه مساعدت‌های ضروری اجتماعی، حرفه‌ای، روانی، پزشکی و فیزیکی مورد نیاز اطفال

۵-۳-۱-۱۳. تدابیر متنوع در تعیین ضمانت اجرا: قاعده ۱۸ با تصریح به تدابیر مختلف در حوزه ضمانت اجراها دست مقام صالح را در تعیین مجازات با توجه به شرایط و اوضاع و احوال طفل و جرم بازمی‌گذارد. تنوع زیاد در تدابیر تعیین ضمانت اجرا به این سبب است که در رویکرد عدالت کیفری ایجاد انعطاف گردد. برخی از این تدابیر می‌توانند با یکدیگر ترکیب شوند، از جمله دستورات مربوط به مراقبت، راهنمایی و نظارت، پروبایسیون، خدمات اجتماعی، میانجی‌گری و دستور به سایر الزامات، دستور به شرکت در جلسات مشاوره گروهی و فعالیت‌های مشابه، دستورات مربوط به مراقبت تربیتی، زندگی در اجتماع یا مجموعه آموزشی دیگر و سایر دستورات مربوطه. نکته مهم دیگری که در این قاعده مندرج است، ضرورت عدم خروج طفل از نظارت والدین به نحو موقت یا دائمی است. این مقرر تنها یک استثنا دارد و آن این است که اوضاع و احوال پرونده خروج کودک را ضروری نماید.

بنابراین، این قاعده برخی واکنش‌ها و ضمانت اجراهای مهمی که در تجربه اعمال شده‌اند و موفقیتشان ثابت شده است را می‌شمارد. مثال‌های موجود در این قاعده، عمومیت داشته و در همه مصادیق خود با جامعه در ارتباط است. اصلاح و تربیت اجتماع‌محور یک تدبیر سنتی است که از جنبه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است.

۵-۳-۱-۱۴. کمترین استفاده از نگهداری طفل در مؤسسات: قاعده ۱۹ مقرر می‌دارد که قراردادن طفل در یک مؤسسه، وضعیتی است که به عنوان آخرین راهکار و برای حداقل زمان استفاده می‌شود. نوجوانان مستعد آثار منفی هستند و نتیجه آن می‌تواند بسیار تخریب‌گر و آسیب‌زا باشد. این آثار منفی نه تنها در محرومیت از آزادی، بلکه انفکاک از محیط عادی اجتماعی، قابل مشاهده است.

۵-۳-۱-۱۵. امتناع از تأخیر غیر ضروری: در قاعده ۲۰ این بحث تبیین می‌شود که هر پرونده باید از ابتدای کار سریع و بدون تأخیر مورد رسیدگی قرار گیرد. اقدام سریع در همه آیین‌های دادرسی مورد توجه است، اما این مسأله در خصوص اطفال بیشتر مطرح خواهد بود. با طولانی‌شدن زمان، وضعیت اطفال به نحو گسترده‌ای در برقراری ارتباط با تشریفات و

کودکی باید محور هرگونه برنامه پیشگیری باشد. این رویکرد مانع جرم‌انگاری و مجازات یک کودک برای رفتاری که سبب آسیب شدید به روند پیشرفت یا به طور کلی صدمه به دیگران نگردیده است، می‌شود. در این راستا سیاست‌ها شامل مواردی از این قبیل خواهد بود: مقررات مربوط به فرصت‌ها به ویژه فرصت تحصیلی باید نیازهای متنوع اطفال را مد نظر قرار دهد و چارچوب حمایتی برای صیانت از پیشرفت شخصی کلیه اشخاص جوان به ویژه آن‌هایی که آشکارا در معرض خطر یا در معرض خطر اجتماعی بوده و نیازمند مراقبت ویژه و حمایت هستند را در نظر گیرد. مداخله رسمی باید در وهله اول مصلحت کلی طفل را منظور دارد و با اصول انصاف و عدالت تعدیل گردد. همچنین کلیه سیاست‌ها و تدابیر باید در جهت صیانت از رفاه و آسایش، پیشرفت، حقوق و مصالح اطفال صورت پذیرد. اصول راهنمای ریاض اعمال اهداف و تدابیر پیش‌گفته را از طریق مسائل مهمی دنبال می‌کند که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

۳-۲-۱. خانواده: از آنجا که اولین گروهی که هر فرد از آغاز زندگی‌اش در آن نقش‌آفرینی می‌کند، خانواده است و این نهاد اجتماعی در تشکیل شخصیت و همچنین مراحل مختلف زندگی مؤثر است، در امر پیشگیری از وقوع جرم نیز اهمیت به سزایی دارد. این اهمیت در خصوص اطفال که عمدتاً نگهداری از آن‌ها در چارچوب خانواده صورت می‌پذیرد و بیشترین میزان تعامل را با خانواده دارند، دوچندان خواهد بود. اصول ۱۱ تا ۱۹ به این نهاد می‌پردازد.

کلیه جوامع باید اولویت اول خود را به نیازها و رفاه خانواده و اعضای آن اختصاص دهند. با توجه به آنکه واحد مرکزی و مسؤول در اجتماعی‌کردن کودک، خانواده است دولت و اجتماع باید تلاش خود را معطوف به انسجام خانواده نمایند و به خانواده در ایجاد زمینه مراقبت و حمایت، رفاه و آسایش فیزیکی و روانی مساعدت کنند. دولت‌ها باید سیاستی را اتخاذ نمایند که کودک را در فضای یک خانواده غیر آشفته و توأم با صلح و صفا قرار دهد. در شرایط معکوس نیز باید کمک‌های لازم را برای آن‌ها فراهم سازند و اگر این مهم قابل دستیابی نیست، مکان‌های جایگزین خانواده از قبیل امکان

را با لحاظ سن، جنس و شخصیت و همچنین رعایت مصالح آنان فراهم سازد. در چارچوب مصالح و رفاه اطفال مقیم مؤسسات، سرپرستان اطفال حق دسترسی به این مؤسسات را دارند. کمک‌های پزشکی و روانشناسی به ویژه برای اطفال بزه‌کار که معتاد به مواد مخدر هستند یا پرخاشگرند یا از بیماری روانی رنج می‌برند و در مؤسسات نگهداری می‌شوند، بسیار پراهمیت است. همچنین در این قاعده اشاره شده است که بزه‌کاران مؤنث نباید نسبت به بزه‌کاران مذکر کمک‌های کمتری دریافت نمایند و به این ترتیب باید به رفتار منصفانه با مجرمین مؤنث در هر یک از مراحل فرآیند کیفری توجه نمود. ضمناً طبق قاعده ۲۹ باید تلاش شود تا سازوکارهای شبهه مؤسسه‌ای پایه‌گذاری گردد. این قاعده تأکید بر اهمیت مراقبت بعد از اقامت در مؤسسه دارد و بر ضرورت یک شبکه سازوکارهای شبهه مؤسسه‌ای تکیه می‌کند تا گام مؤثری در جهت ورود مجدد طفل به جامعه برداشته شود.

۳-۱-۲۰. آزادی مشروط: بر اساس قاعده ۲۸ نیاز است که توسل سریع و پیش از موعد به ابزار جایگزین ممکن توسط مقام صالح مورد توجه قرار گیرد و اطفالی که به طور مشروط از یک مؤسسه آزاد می‌گردند، باید توسط آن مقام تحت نظارت قرار گرفته و مشمول حمایت کامل جامعه گردند.

۳-۱-۲۱. تحقیقات: قاعده ۳۰ نیز بر تحقیقات ضروری به عنوان پایه سیاست‌گذاری و قانونگذاری تأکید می‌کند و این الزام را مقرر می‌دارد که باید به طور دوره‌ای زمینه‌ها، مشکلات و علل انحراف و جرم اطفال به علاوه نیازهای متنوع مخصوص اطفال مقیم بازداشتگاه مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. از این رهگذر سیاست‌ها، قوانین و دستورالعمل‌های اجرایی متناسب با اوضاع و احوال و شرایط اطفال در هر دوره مورد ارزیابی و بازبینی قرار خواهد گرفت که منجر به کارآمدی فرآیند کیفری می‌شود.

۳-۲. اصول راهنمای سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم اطفال (اصول راهنمای ریاض): اصول راهنمای ریاض بر مسأله پیشگیری از جرم و اقدامات لازم در جهت آن تمرکز دارد. اصول ۱ تا ۶ در تبیین مسائل اساسی مقرر می‌دارد که در اجرای این اصول، رفاه اطفال از همان اوان

توسعه اجتماعی، تسهیلات تفریحی و سرگرمی و خدمات با هدف پاسخگویی به مشکلات خاص کودکانی که در معرض خطرات اجتماعی هستند، ایجاد گردد. دولت‌ها باید به منظور حل و فصل مسائلی که حین انتقال به دوره بزرگسالی برای اشخاص جوان اتفاق می‌افتد، تنوع زیادی را منظور گردانند. گسترده‌ترین تسهیلات و خدمات تفریحی و سرگرمی مورد علاقه خاص اطفال باید ایجاد و دسترسی به آن تسهیل گردد (۱۶).

۴-۳-۵. رسانه‌های جمعی: رسانه‌های جمعی باید برای تضمین دستیابی اطفال به اطلاعات و موضوعات راجع به تفاوت زمینه‌های ملی و بین‌المللی مورد تشویق قرار گیرند. همچنین آن‌ها باید همانطور که اصول ۴۰ تا ۴۴ مقرر می‌دارند، از قدرت خود در جهت به تصویر کشیدن سهم مثبت اطفال، ترویج اصول و نقش‌های قانون‌مدار و پیشگیری از سوءمصرف مواد و الکل بهره گیرند (۱۷).

۵-۳-۲-۵. سیاست اجتماعی: آژانس‌های دولتی باید بیشترین اولویت را به طرح‌ها و برنامه‌های مربوط به جوانان اختصاص داده و منابع کافی و سایر منابع برای ارائه خدمات، تسهیلات و نیروی انسانی به منظور مراقبت پزشکی، سلامت روانی، تغذیه، خوابگاه و مصادیقی از این دست اختصاص دهند. اصل ۴۶ نیز همانند قواعد پکن بر این مسأله تأکید دارد که نگهداری اطفال در مؤسسات باید آخرین راهکار محسوب و در کمترین بازه زمانی انجام گردد، با این تفاوت که در این اصل معیارهایی که مداخله رسمی از این نوع را تجویز می‌کند، باید به نحو مضیق تعریف گردیده و محدود به مواردی شود که اصل مزبور به نحو حصری (همانطور که ذیلاً خواهد آمد) بیان می‌کند.

اول: موردی که کودک دچار آسیبی شده است که به وسیله والدین یا سرپرستان ایجاد شده است؛ دوم: موردی که کودک از نظر جنسی، جسمی، یا عاطفی مورد سوءاستفاده والدین یا سرپرستان واقع شده است؛ سوم: موردی که کودک توسط والدین یا سرپرستان به فراموشی سپرده شده یا رها شده است؛ چهارم: موردی که کودک در معرض تهدید از طریق ایجاد خطر جسمی یا اخلاقی که ریشه در رفتار والدین

سرپرستی و پذیرش در دستور کار قرار گیرد. در این راستا باید توجه ویژه‌ای به خانواده کودکانی صورت پذیرد که در معرض مشکلات غیر مترقبه و تغییرات شدید اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارند، فلذا باید تدابیر لازم در جهت ترویج ارتباط مثبت والدین و فرزند، حساس کردن والدین نسبت به مسائل کودکان و تشویق آنان به مشارکت در فعالیت‌های جامعه و خانواده محور، صورت گیرد که در این امر تأکید بسیاری بر کارکرد اجتماعی شدن خانواده شده است (۱۴).

۵-۳-۲-۲. تحصیلات: بر اساس اصول ۲۰ تا ۳۱، دولت‌ها باید تحصیلات عمومی را برای کلیه اطفال در دسترس قرار دهند. سیستم‌های تحصیلی علاوه بر فعالیت‌های آموزشی باید به موارد ذیل توجه نمایند:

آموزش‌ها باید بر اساس هویت و الگوهای فرهنگی در زمینه ارزش‌های اجتماعی صورت گیرد و مضافاً برای تمدن‌هایی که از تمدن طفل متفاوت‌اند و در زمینه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نیز تبیین گردد. شخصیت، استعداد و توانایی‌های ذهنی و فیزیکی اطفال تا نهایت توان بالقوه فردی آنان تحکیم و تقویت گردد.

سیستم‌های تحصیلی در معیت والدین، سازمان‌های اجتماعی و آژانس‌های فعال در زمینه کودکان ایفای نقش می‌کنند. این سیستم‌ها باید مراقبت ویژه و توجه خاص به اشخاص جوان که در معرض خطرات اجتماعی هستند به عمل بیاورند. همچنین باید سیاست‌ها و استراتژی‌های جامع در زمینه پیشگیری از سوءمصرف مواد و سایر موارد توسط اطفال تدوین گردد. اعمال تدابیر و سازوکارها باید تا میزانی صورت گیرد که کلیه گروه‌های حساس از کودکان بتوانند در اجتماع خود فعال باشند و به طور مثال به دلیل گوشه‌گیری و وجود مشکل در حضور از تحصیل بازمانند (۱۵).

۵-۳-۳-۳. جامعه: با توجه به اصول ۳۱ تا ۴۰، خدمات و برنامه‌های اجتماع‌محور که به نیازهای خاص، مشکلات و منافع اطفال پاسخ گفته و مشاوره‌ها و راهنمایی‌های مناسب را به اشخاص جوان و خانواده آن‌ها ارائه می‌دهند، باید گسترش یابد یا اگر از قبل موجود بوده، تقویت گردد. همچنین، مراکز

یا سرپرستان دارد، قرار دارد؛ پنجم: موردی که خطر شدید جسمی و روحی نسبت به کودک و شخص جوان ناشی از رفتار خود فرد است و نه والدین و سرپرستان و نه خدمات اجتماعی، توان کنترل خطر غیر از توسل به نگهداری در مؤسسه را ندارند.

آژانس‌های دولتی باید برای اشخاصی که توان تأمین مالی تحصیل تمام وقت مستمر را ندارند کمک‌های مالی فراهم نماید. برنامه‌های پیشگیری از جرم باید بر اساس یافته‌های تحقیقات علمی و قابل نیاز کودکان تدوین گردد. همچنین اشخاص حرفه‌ای و عموم مردم باید دسترسی به اطلاعات لازم در خصوص رفتار و موقعیت‌های منتهی به بزه‌دیده‌شدن جسمی و روانی، آسیب و سوء‌مصرف از کودکان را داشته باشند. علاوه بر این‌ها باید مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌ها داوطلبانه و به خواست خود کودک باشد (۱۸). این نیز مانند سایر موارد گفته‌شده از جلوه‌های اصل فردی کردن است.

۶-۳-۵. قانونگذاری و اجرای عدالت در زمینه کودکان: دولت‌ها باید قوانین و آیین دادرسی‌های ویژه‌ای در جهت ترویج و حمایت از حقوق و رفاه کلیه اشخاص تصویب کنند و به اجرا درآورند. این مقرر کلی به آن معنا است که نیازهای کلیه افراد باید در نظر گرفته شده و برای رفاه تک‌تک کودکان کوشیده شود. برای جلوگیری از توسعه لکه‌دار کردن، بزه‌دیده شدن و جرم‌انگاری در زمینه رفتار اشخاص جوان، مقرراتی باید به منظور تضمین اینکه هر رفتار صبغه کیفی پیدا نکند یا مجازات نگردد، مشروط بر آنکه ارتکاب همان رفتار توسط بزرگسال فاقد جرم‌انگاری و مجازات باشد، تدوین گردد. نیروهای انسانی اجرای قانون و سایر نیروهای ذی‌ربط، چه مرد و چه زن، باید آموزش‌های لازم را دریافت کنند تا بتوانند به الزامات ضروری اشخاص جوان پاسخ مناسب دهند و باید با برنامه‌ها و امکانات مرتبط با خروج اشخاص از سیستم عدالت آشنا باشند و آن را به کار ببرند (۱۹).

۵-۳-۳. قواعد ملل متحد برای حمایت از کودکان و نوجوانان محروم از آزادی (قواعد هاوانا): قاعده ۱ از این مجموعه قواعد، بیان می‌دارد که سیستم عدالت در زمینه اطفال باید حقوق و امنیت را تثبیت و رفاه و آسایش جسمی و

روانی نوجوانان را گسترش دهد. زندانی کردن آخرین راه حل است. محرومیت اطفال از آزادی طبق قاعده ۲ تحت مقررات تدوین‌شده در این قواعد و قواعد پکن باید صورت پذیرد. محرومیت از آزادی آخرین راه است و در موارد استثنایی استفاده خواهد شد. این قواعد در پی آن هستند که استانداردهای حداقلی را منطبق با حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و با لحاظ خنثی کردن آثار زیان‌بار کلیه اقسام بازداشت ایجاد کنند. اعمال و اجرای این قواعد به طور منصفانه و بدون هرگونه تبعیض انجام خواهد شد.

در قاعده ۶ ذکر شده است که این قواعد باید به زبان‌های ملی در اختیار نیروهای انسانی مرتبط قرار گیرد. نوجوانانی هم که زبان مورد استفاده پرسنل را متوجه نمی‌شوند، حق بهره‌مندی از خدمات یک مترجم رایگان در زمان‌های مورد نیاز به ویژه معاینات پزشکی و اجرای مقررات انتظامی را دارند؛ مضافاً بر این‌ها مقامات ذی‌صلاح باید در این خصوص که مراقبت از اطفال بازداشت شده و زمینه‌سازی برای بازپروری و بازگشت آن‌ها اهمیت فراوانی دارد، درصدد افزایش آگاهی عمومی برآیند.

طبق قاعده ۱۲ و ۱۳، محرومیت از آزادی باید در شرایطی که تضمین رعایت حقوق بشر نوجوانان گردد، اجرا شود. باید برای اطفالی که در مؤسسات بازداشت می‌شوند، برنامه‌ها و فعالیت‌هایی تدارک دیده شود که منجر به تقویت و بقای سلامت و عزت نفس آن‌ها می‌شود، حس مسؤولیتشان را تقویت می‌کند و وجهه و مهارت‌هایی که قابلیت آن‌ها در تأثیرگذاری در جامعه را تقویت می‌کند، تضمین گردد. اطفال محروم از آزادی، به استناد دلیلی که با وضعیتشان مرتبط است، نباید از حقوق مدنی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یا فرهنگی که حسب حقوق ملی و بین‌المللی مشمول آن هستند و حقوقی که در راستای محرومیت از آزادی است، محروم شوند. مهم‌ترین قاعده‌ای که به اصل فردی‌سازی توجه می‌کند را می‌توان قاعده ۱۸ قواعد راهنمای هاوانا دانست که مقرر می‌دارد شرایطی که نوجوان محاکمه‌نشده تحت آن بازداشت می‌شود، باید حاوی الزاماتی در خصوص اصل برائت، طول مدت بازداشت و وضعیت قانونی و اوضاع و احوال نوجوان

کنند. پرسنل مؤسسه نیز باید طرح درمانی برای طفل متناسب با نیازهای او طراحی نمایند. بازداشت طفل در جایی اتفاق می‌افتد که مطابق اصل ۲۸، امکانات فراهم آوری کلیه نیازهای خاص جایگاه و الزامات ویژه مرتبط با سن، شخصیت و جنس مجرم و نوع جرم و همینطور ضرورت‌های سلامت جسمانی و روانی وی فراهم باشد.

در نهایت به غیر از مهم‌ترین اصولی که در فوق ذکر شد، اصول بسیار دیگری نیز در اصول راهنمای هاوانا درج شده است که می‌تواند تک‌تک مقررات لازم برای قانون نویسی و سیاستگذاری را به دولت‌ها آموزش دهد. اهمیت این اصول به ویژه در آنجایی است که به نحو تفصیلی به مقرراتی می‌پردازد که در خصوص محرومیت از آزادی اطفال است. این دسته از اطفال بزه‌کار بیشتر از سایرین در معرض خطرات و برچسب‌زنی‌های دائمی خواهند بود و در صورتی که به درستی مقررات در خصوص آنان وضع و اجرا نگردد، آثاری دربر خواهد داشت که جبران‌پذیر نخواهد بود. از این رو اصول راهنمای هاوانا می‌تواند منبع خوبی در جهت ارتقای قوانین ملی کشورها قرار گیرد (۲۰).

۶. نتیجه‌گیری

با بررسی اسناد غیر الزام‌آور سازمان ملل متحد در ارتباط با اطفال و نوجوانان به ویژه بزه‌کاران زندانی متوجه می‌شویم که همه آن‌ها در یک دید کلی تلاش می‌کنند تا: نخست آنکه از نقض قانون توسط اطفال و نوجوانان پیشگیری به عمل آورند، به بیان ساده‌تر، پیشگیری از جرم اولویت اصلی اسناد مزبور در ارتباط با اطفال و نوجوانان می‌باشد؛ دوم آنکه نحوه برخورد با اطفال و نوجوانان متهم یا مظنون به نقض قانون را بهبود بخشیده و ارتقا دهند. در واقع باید وضعیت اطفال و نوجوانان در تمام فرآیند رسیدگی کیفری (از زمان بازداشت تا مرحله اجرای حکم) به طور خاص توسط مراجع رسیدگی‌کننده و ضابطان قضایی مد نظر قرار گرفته شود؛ سوم آنکه با حمایت از اطفال و نوجوانان محروم از آزادی، مانع از تقویت روحیه پرخاشگری و بزه‌کاری در آنان شده تا به واسطه آن کودکان اصلاح شده و به آغوش جامعه و خانواده خویش

منطبق با قواعد مشروحه زیر باشد: اول اینکه اطفال حق مشاوره حقوقی دارند و اصل حریم خصوصی و محرمانگی در این رابطه باید رعایت شود؛ دوم اینکه باید اطفال بتوانند در جستجوی شغل با اجرت باشند و تحصیلات نظری و آموزش فنی حرفه‌ای را در پیش گیرند که البته نباید منجر به تداوم بازداشت گردد؛ سوم اینکه باید طفل بتواند اشیایی که برای ایام فراغت در تطابق با مصالح ناشی از اجرای عدالت دریافت کرده را نگه دارد.

طبق اصل ۱۹ کلیه گزارشات شامل سوابق قانونی، پزشکی، رسیدگی انتظامی، و سایر اسناد از این دست باید در فایل شخصی محرمانه که تنها برای اشخاص صالح قابل مشاهده است، نگهداری شود که اگر طفل نیاز به اعتراض در آن زمینه داشت، قابل بررسی باشد. این پرونده بعد از آزادی باید مهر و موم گردیده و در زمان مناسب محو شود.

ماده ۲۱ نیز تبیین می‌دارد که در هر مکانی که طفل بازداشت می‌شود، باید یک ثبت سوابقی حاوی اطلاعات مختلف من جمله وقایع مرتبط و دلایل اعزام، جزئیات مسائل جسمی و روانی شناخته‌شده مثل سوءمصرف مواد و الکل، انجام و نگهداری شود و در ادامه طبق ماده ۲۳ در اولین فرصت بعد از پذیرش، کلیه اطلاعات در خصوص وضعیت شخص و اوضاع و احوال وی باید به اداره زندان ارائه شود. این اقدامات سبب می‌شود تا مقامات زندان یا بازداشتگاه از شرایط طفل آگاه شوند و بتوانند سازوکارهای کمک‌کننده به وی را آماده کنند. این مقررات همانطور که در قواعد پکن نیز وجود دارد، مشابه با مقرر الزام به تشکیل پرونده شخصیت در خصوص جرائم کودکان و نوجوانان است. این مسأله به مقامات کمک می‌کند تا درخواست تعویق یا تعلیق یا تخفیف یا عفو مجازات را نمایند و وسایل رفاهی و بازپروری طفل را فراهم آورند.

در همین راستا اصل ۲۷ هم مقامات صالح را ملزم می‌کند تا بعد از پذیرش در اولین فرصت با هر طفل مصاحبه کرده و گزارش روان‌شناسی و اجتماعی کلیه عوامل مربوط به نوع و سطح مخصوص مراقبت و برنامه‌های لازم برای نوجوان را مشخص نمایند و به مدیر مؤسسه نگهدارنده طفل تسلیم

۷. تقدیر و تشکر

از عزیزانی که در تهیه و تدوین این پژوهش مساعدت و همکاری نموده‌اند، و همچنین از داوران و دبیران نشریه اخلاق زیستی که با نظریات خود زمینه اصلاح و ارتقاء مقاله را فراهم آوردند، تقدیر و تشکر می‌شود.

۸. سهم نویسندگان

تمامی نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

بازگردند و به عنوان افرادی فعال و مثبت در جامعه زندگی جدیدی را آغاز نمایند. در واقع پس از پیشگیری، دومین هدف اصلی، بازپروری و بازگرداندن این دسته از افراد به کانون خانواده و جامعه می‌باشد. بدون تردید این هدف در ارتباط با همه جرائم و مجرمان وجود دارد، اما هدف مزبور در ارتباط با اطفال و نوجوانان نمود بسیار بیشتری دارد، زیرا این دسته از افراد به واسطه سن کم و ظرفیت بالاتر برای یادگیری و اصلاح، ساده‌تر به آغوش خانواده و جامعه بازمی‌گردند. همچنین باید اضافه کرد که اسناد غیر الزام‌آور ملل متحد، دارای انعطاف‌پذیری بسیار بالایی هستند و اساساً بر مبنای قواعد و اصول حقوق بشر بین‌المللی طراحی شده‌اند، در نتیجه از نظر محتوایی، هماهنگی زیادی با ساختارها و هنجارهای نظام‌های داخلی دارند. اسناد مزبور در واقع مجموعه‌ای از هنجارهای هماهنگ می‌باشند که برآیند آن‌ها می‌تواند به عنوان یک الگوی مناسب برای قانونگذاران داخلی محسوب شوند. اغلب دولت‌های عضو ملل متحد، کنوانسیون‌های بین‌المللی حوزه حقوق بشر را مورد پذیرش قرار داده‌اند و تعهدات آن‌ها را وارد نظام‌های حقوق داخلی نموده‌اند. از طرفی، اسناد غیر الزام‌آور ملل متحد در واقع بسط‌دهنده و به نوعی تفسیر هنجارهای الزام‌آور عام می‌باشند. به تعبیری، اصول و قواعد عام در اسناد جهانی مورد شناسایی قرار گرفته است، اما اسناد غیر الزام‌آور، اصول و قواعد مزبور را در موضوعات خاص دستخوش تفسیر و بعضاً توسعه قرار می‌دهند. غیر الزام‌آور بودن اسناد ملل متحد در زمینه وضعیت اطفال زندانی باعث شده است که اسناد مزبور با استقبال دولت‌ها مواجه شوند، زیرا دولت‌ها دغدغه‌ای در ارتباط با مسؤولیت بین‌المللی خود ندارند و چنانچه به اجرای اسناد غیر الزام‌آور مزبور گرایش پیدا کنند، در واقع اراده واقعی برای اجرای تعهدات غیر الزام‌آور در مورد آن‌ها وجود دارد. این اسناد غیر الزام‌آور همچنین در ایجاد وحدت رویه بین‌المللی و کاستن تعارض‌های میان نظام‌های حقوقی ملی کمک شایانی می‌کنند.

References

1. Malekizadeh S. Manifestations of the principle of individualization of punishment in the Iranian criminal justice system. *Journal of Justice*. 2019; 134(1): 11-18. [Persian]
2. Ardabili M. Public Criminal Law. Tehran: Mizan Publishing; 1999. p.199. [Persian]
3. Ashouri M, Fathi M. Evaluation of the rules governing the qualities of reduction in Iranian law. *Law Quarterly*. 2009; 2(39): 1-21. [Persian]
4. Langroudi M. Legal Terminology. Tehran: Ganj-e Danesh; 1984. p.51. [Persian]
5. Sanei P. Public criminal law. Tehran: Ganj-e Danesh; 1992. Vol.2 p.242. [Persian]
6. Sedarat A. Criminal Law and Criminology. Tehran: Knowledge Center Publications; 1966. p.34-35. [Persian]
7. Fletcher G. Basic concepts of legal thought. New York: Oxford University Press; 1999. p.76.
8. Kazemi S, Zarrokh E. Crystallization of the rule of justice in the principle of individualization of punishments. *Excellence in Law*. 2012; 16(4): 47-61. [Persian]
9. Kiani M. The principle of individualizing social reaction with a comparative study of French law. MA Dissertation. Mazandaran: University of Mazandaran; 2011. p.120. [Persian]
10. Aberandabadi A. Lectures in Criminology: Criminal Rehabilitation. Ph.D. Course. Tarbiat Modares University; 1999. p.23-24. [Persian]
11. Todrys K, Amon A. Human rights and health among juvenile prisoners in Zambia. *International Journal of Health*. 2011; 7(1): 1-31.
12. Lines R. The right to health of prisoners in international human rights law. *International Journal of Prisoner Health*. 2008; 4(1): 1-29.
13. Kury H, Redo S, Shea E. Women and Children as Victims and Offenders. London: Springer; 2016. p.49-50.
14. Sutton A, Cherney A, White R. Crime Prevention: Principles, Perspectives and Practices. Cambridge: Cambridge University Press; 2014. p.17-21.
15. Fennelly L. Handbook of Loss Prevention and Crime Prevention. London: Elsevier; 2014. p.416-417.
16. Grant H. Social Crime Prevention in the Developing World. London: Springer; 2014. p.3-6.
17. Baratto G. The illegal trade of medicines on social media. London: Springer; 2020. p.1-4.
18. Kemshall H. Crime and Social Policy. London: Wiley; 2012. p.1-6.
19. Tas J, Decker R, Decker H. International Handbook of Juvenile Justice. London: Spinger; 2006. p.111-112.
20. Abiad N, Mansoor F. Criminal Law and the Rights of the Child in Muslim States. London: BIICL; 2012. p.283-284.